بحث بود که آیا صوم عاشورا از قبیل تزاحم بین مستحبین است یا صغری باب إجتماع أمر و نهی است؟

مرحوم آخوند می­فرماید از قبیل تزاحم مستحبین است به دو جهت.

**جهت اول:** عنوانی منطبق بر صوم عاشورا است که باعث شده است که ترک روزهِ روز عاشورا ارجح از گرفتن روزه شوند، و آن عنوان مخالفت از بنی اُمیّه است. در نتیجه روزه روز عاشورا مستحب است و لکن ترک آن ارجحیَّت دارد بخاطر اینکه مخالفت با بنی امیه شود. لذا این عنوانِ مخالفت ارجحیَّت پیدا می­کند و ترک روزه را اهم می­کند بخاطر اینکه ائمه علیهم السلام بر ترک این روزه مداومت داشته اند و اصحاب ائمه علیهم السلام نیز بر ترک این روزه مداومت داشته اند ، لذا روزه گرفتن مهم است و ترک آن اهم است

**جهت دوم:** عنوانِ ملازم با ترک روزه باعث می­شود ترک را اهم و ارجح کند نظیر اینکه مردم اگر در آن روز روزه بگیرند اقامه عذاداری بر سیّد الشهدا علیه السلام به آن نحوی که اهل بیت دوست دارند انجام نشده است . و لذا ترک روزه اهم شد به خاطر این عناوین ملازم .

نظیر هم برای عنوان ملازم داریم: مثلا روزه در روز عرفه مستحب است ولکن اگر نشاط دعا را از ما بگیرد ترک آن بهتر است .

با این بیانی که آورده شد اشکال بیان مرحوم خوئی روشن می­شود.

ایشان فرمودند ترک روزه را می­توان به دو صورت تصور کرد

**الف:** مکلَّف روزه بگیرد اما قصد قربت نکند

**ب:** مکلَّف اصلا روزه نگیرد.

حال باید دید که این دو جهت را آیا مخالفت می­گویند یا خیر؟

 قطعا جهت دوم را مخالفت می­گویند. اما اگر روزه بگیرد ولکن قصد قربت نکند عنوان مخالفت بر این امساک بدونه قصد قربت منطبق نیست و لذا از خارج نظر مرحوم آخوند شد و دفاع از نظر ایشان نشد.

عنوان مخالفت ، ‌مخالفت با خود عمل است نه با یک حصه ای از عمل. ( یعنی روزه نگیرد حال به هر دلیل باشد )

در مقابل قول آخوند مرحوم نائینی قائل است به اینکه صوم عاشورا داخل در مسئله جواز إجتماع أمر و نهی است لذاباید جوازی شویم چون تعدد عنوان و تعدد معنون است.

ایشان دو پاسخ به مرحوم آخوند داد.

در پاسخ اول فرمود فعل و ترک نقیضین اند و تزاحم در نقیضین ممکن نیست رُخ دهد.

**در پاسخ دوم می­فرماید:** عمل مستحبی به دو صورت تحت أمر وجوبی می­رود.

**الف:** گاهی عمل مستحبی نذر می­شود و چون وفاء به نظر واجب است عمل واجب می­شود لذا اگر کسی نذر کند اول ماه رجب روزه بگیرد این جا دو أمر است یکی أمر استحبابی و دیگری أمر وجوبِ وفاء به نذر . و متعلَّق هر دو یکی است (‌صیام روز اول رجب ) در این جا قاعده اندکاک جاری است. یعنی عمل مستحبی نیازمند به قصد قربت است و وفاء به نذر محتاج قصد قربت نیست چون از توصلیَّات است لذا أمر به وفاء به نفس با أمر مستحبی مندّک می­شوند و یک چیز را تشکیل می­دهند و آن این است که این روزه وجوب تعبدی پیدا می­کند.

اما اگر همین روزه به عنوان اجیر اجاره شود مثلا پولی داده اند که در ماه رجب برا ی او روزه بگیرد در این صورت قاعده اندکاک نیست چون روزه به نیابت از شخصی است لذا باید قصد نیابتی کند لذا وجوب تعبدی ندارد بلکه وجوب توصلی دارد یعنی به اعتبار اینکه وفاء به اجاره واجب است باید روزه را به نیابت از فلانی قصد کند . اما در هر دو متعلَّق یکی است. اما در مورد بحث ما دو متعلَّق است لذا دو عنوان است

صوم عاشورا یک عمل تعبدی است لذا أمر استحبابی به ذات این عمل تعلُّق می­گیرد . از آن طرف بر ما لازم است از عمل زشت بنی امیه مخالفت کنیم لذا نهی از صوم این روز شده است . متعلَّق نهی ذات روزه و عمل نیست بلکه متعلَّق نهی روزه روز عاشورا به قصد شادی کردن است لذا امامان ما از این جهت نهی کرده اند مثل صلِّ و لا تغصب که صلِّ به جهت صلاتی واجب و لا تغصب به جهت غصب است که دو متعلَّق و دو عنوان است لذا ما قائل به جواز شدیم.

به نظر ما هم کلام آخوند و هم کلام مرحوم نائینی صحیح نیست.

ما می­گوییم باید به روایات هم مراجعه شود. در روایات ما دو عنوان آمده است

**الف:** عنوان سنهُ النبویَّ.

**۱-**و إنما كان رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله يصوم يوم‏ عاشورا ( و لکم فی رسول الله اسوهٌ حسنهٌ )

**۲-** صوموا العاشورا فإنه یکفِّر ذنوب سنهٍ

**۳-** صیام یوم عاشورا سنهٌ.

**ب:** مخالفت با بنی اُمیّه.

پس دو عنوان شد یکی سنه نبوی و یکی هم مخالفت بنی امیه

روایات دسته اول استحباب نفسی صیام روز عاشورا را ثابت می­کند.

ولکن روایات مخالف نمی­رسانند که ترک روزه مستحب است و ائمه و اصحاب ائمه بر ترک روزه مداومت می­کردند. لذا عنوان مخالفت نمی­تواند ترک را مستحب کند و فعل روزه را از رجحان بیندازد فقط مَنقصه و حزازه درست می­کند یعنی روزه روز عاشورا ثواب کمی دارد اما نمی­گوید ترک صیام مصلحت و محبوبَّت دارد بنابراین نه تزاحم است نه تعارض است بلکه یک نهی ارشادی است و ارشاد به مخالفت بنی امیه است.